

## چشم انداز منافع تجاری ایجاد منطقه تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس برای ایران<sup>۱</sup>

حسن ثاقب \*      علیرضا گرشاسبی \*\*

پذیرش: ۸۸/۹/۱۱

دریافت: ۸۷/۹/۹

موافقت‌نامه تجارت آزاد / شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) / ایجاد تجارت / انحراف تجارت / درآمدهای تعرفه‌ای / رفاه مصرف‌کنندگان / صادرات مجدد / قواعد مبدأ

### چکیده

در این مقاله آثار ایجاد منطقه تجارت آزاد (FTA) بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس بر تجارت، درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه مصرف‌کنندگان در چارچوب یک مدل تعادل جزئی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی است که تشکیل FTA مذکور، باعث افزایش صادرات، واردات و حجم تجارت ایران با کشورهای مذکور شده و علیرغم کاهش درآمدهای تعرفه‌ای، افزایش در رفاه مصرف‌کنندگان کشور را به دنبال خواهد داشت. هر چند محاسبات حاکی از تشدید کسری تراز تجاری ایران با کشورهای عضو شورا می‌باشد اما پیش‌بینی می‌گردد رعایت قواعد مبدأ در چارچوب موافقت‌نامه‌های FTA مورد نظر، مانع تشدید کسری تراز تجاری ایران با شورای همکاری خلیج فارس خواهد گردید.

طبقه‌بندی JEL: F15, O40

۱- این مقاله خلاصه از یک طرح تحقیقاتی تحت عنوان «اثرات انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس بر استفاده از پتانسیل‌های تجاری موجود و آثار آن بر درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه در ایران» است که به مدیر مسئولی آقای سیف‌اله صادقی یارندی در موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی انجام شده است.

\* [sagheb82@yahoo.com](mailto:sagheb82@yahoo.com)

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس و پژوهشگر معاونت برنامه‌ریزی وزارت بازرگانی

[h\\_garshasbi13@yahoo.com](mailto:h_garshasbi13@yahoo.com)

## مقدمه

ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (pgCC) بدلیل انگیزه‌ها، عوامل و متغیرهایی مانند همسایگی و هم‌سرنوشتی، اشتراکات عمیق مذهبی و تمدنی، نزدیکی و پیوند متقابل و مستحکم فرهنگ‌ها، سنت‌ها و میراث‌های تاریخی ارزشمند از زمینه‌های لازم به منظور تعامل و همسویی منافع و مصالح برخوردار می‌باشند. سوابق همکاری‌های طبیعی تجاری فی‌مابین نیز موید وجود بسترهای لازم برای تعمیق همگرایی تجاری منطقه‌ای در قالب موافقت‌نامه‌های مرسوم بین‌المللی است. اخیراً پیشنهاد ایجاد منطقه تجارت آزاد (FTA) بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس مطرح شده است. بدیهی است هرگونه اقدام در این خصوص نیازمند بررسی‌های علمی و کارشناسی برای آگاهی از آثار مثبت و منفی آن به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب در مراحل مذاکرات تجاری و پس از آن می‌باشد. در طرح یکپارچگی با شورای همکاری خلیج فارس، همکاری در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و امنیتی مدنظر مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که از جمله می‌توان به همکاری در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی و انرژی، گردشگری، مبادلات آموزشی، علمی، فناوری و پژوهشی، همکاری در صیانت از محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان، تامین آب و گاز مورد نیاز کشورهای جنوبی خلیج فارس، سرمایه‌گذاری مشترک در منافع نفت و گاز به صورت دو و چند جانبه، لغو روادید و تسهیلات رفت و آمد شهروندان اشاره کرد.

اگرچه موافقت‌نامه مذکور با توجه به ابعاد مورد نظر در آن، آثار پویا و ایستای متعددی را بدنبال دارد که آثار پویای آن مهمتر و البته گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آثار ایستای آن می‌باشد. اما در عمل، برآورد دقیق آثار پویا بدلیل عدم دسترسی به اطلاعات کامل و همه جانبه و اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی در سطح بین‌المللی امکان‌پذیر نمی‌باشد. در مقابل، آثار ایستای تشکیل موافقت‌نامه در قالب مدل‌های تعادل جزئی قابل برآورد و اندازه‌گیری است. این مدل‌ها تصویری از آنچه در مراحل اولیه اجرای موافقت‌نامه رخ می‌دهد در اختیار مذاکره‌کنندگان قرار می‌دهد. این سوال مطرح است که آثار تشکیل موافقت‌نامه تجارت

آزاد مورد نظر در اولین مرحله تشکیل موافقت‌نامه یعنی حذف موانع تعرفه‌ای چه تاثیری بر جریان‌ات تجاری بین ایران و کشورهای مذکور خواهد داشت؟ همچنین آیا اضافه رفاه مصرف‌کنندگان قادر به جبران کاهش درآمدهای تعرفه‌ای در اثر حذف تعرفه‌ها خواهد بود؟ لذا هدف مقاله حاضر، پیش‌بینی حداکثر تغییرات و آثار ناشی از ایجاد FTA در سطح تجارت کالایی، شرایط کاهش صددرصدی موانع تعرفه‌ای و اثرات آن بر تجارت، صادرات، واردات، تراز تجاری، درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه مصرف‌کنندگان در ایران می‌باشد که با به کارگیری یکی از روش‌های علمی و کاربردی تایید شده بانک جهانی صورت می‌پذیرد. همچنین تحلیلی از موضوع رعایت قواعد مبداء<sup>۱</sup> موافقت‌نامه‌ها، بعنوان ابزاری مهم برای تعدیل آثار منفی موافقت‌نامه بر صنایع کشور و کسب منافع و امتیازات بیشتر از موافقت‌نامه ارائه خواهد شد.

اگرچه محاسبات تحقیق در سطح کدهای شش رقمی HS صورت می‌گیرد اما بدلیل رعایت اختصار و با توجه به اهمیت طبقه‌بندی چهارگانه کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای، مصرفی و موادخام، کلیه بررسی‌ها و نتایج بر مبنای چهار طبقه کالایی مذکور صورت گرفته است. در بخش اول مقاله به بررسی عملکرد تجاری ایران و شورای همکاری خلیج فارس و همچنین ساختار تعرفه‌ای آنها در تجارت متقابل پرداخته می‌شود. بخش دوم به بررسی مبانی و مطالعات انجام شده اختصاص دارد. در بخش سوم نیز به متدولوژی مورد استفاده در تحقیق پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق در بخش چهارم ارائه شده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در بخش پیش‌بینی‌ها براساس طبقه‌بندی فوق به دلیل اهمیتی است که آگاهی از نوع کالاهای وارداتی و صادراتی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مذاکره‌ای داشته باشند. بخش پایانی نیز به خلاصه نتایج و ارائه پیشنهادات اختصاص دارد.

## ۱. بررسی عملکرد تجاری و ساختار تعرفه‌ای ایران و شورای همکاری خلیج فارس

### الف - تجارت

بر اساس آخرین اطلاعات آماری بانک جهانی<sup>۱</sup> ارزش تجارت ایران (مجموع ارزش صادرات و واردات) با شورای همکاری خلیج فارس از ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۳۲/۴ درصد به بیش از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است که این روند رشد فراتر از رشد کل تجارت ایران با جهان طی دوره مورد نظر بوده است؛ بطوری که سهم تجارت ایران با کشورهای مذکور نسبت به جهان از ۶/۷ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۱۰/۱ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است که رشد متوسط سالیانه ۱۵ درصد را نشان می‌دهد. بنابراین بیش از ۱۰ درصد کل ارزش تجارت ایران با شورای همکاری خلیج فارس صورت می‌پذیرد.

جایگاه شورای همکاری خلیج فارس در تجارت غیرنفتی (صادرات غیرنفتی<sup>۲</sup> + کل واردات) به مراتب مناسب‌تر و چشمگیرتر بوده است؛ بطوری که سهم کشورهای مذکور از کل تجارت غیرنفتی ایران از ۱۰/۸ درصد (۳/۱ میلیارد دلار) در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۲۲/۱ درصد به ۱۹/۶ درصد (۹/۸ میلیارد دلار) در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. طی همین دوره، ارزش تجارت غیرنفتی ایران با کشورهای عضو شورا بیش از ۴۶ درصد رشد داشته است؛ در حالیکه رشد متوسط سالیانه کل تجارت ایران ۱۵/۲ درصد بوده است. این موضوع نشانگر بهبود مناسبات تجاری بین ایران و کشورهای مذکور طی سال‌های اخیر می‌باشد. در میان کشورهای عضو PGCC، امارات متحده عربی مهمترین شریک تجاری ایران است که با اختصاص بیش از ۸۵ درصد تجارت ایران با PGCC و نیز ۱۷/۶ درصد کل تجارت ایران با جهان، مهمترین شریک تجاری ایران نه تنها در تجارت با PGCC بلکه در تجارت با جهان محسوب می‌شود. حجم تجارت ایران با کشور مذکور از

1. Personal Computer Trade Analysis System(PC/TAS).

۲. در اینجا تجارت غیرنفتی مجموع صادرات غیرنفتی و واردات ایران است که صادرات نفت خام (۲۷۰۹۰۰)، و گازهای

طبیعی (شماره‌های تعرفه با چهار رقم اولیه ۲۷۱۱) از کل صادرات ایران خارج شده است.

۲۶۴۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۴۹ درصد به ۸۷۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

### جدول ۱- روند تجارت جمهوری اسلامی ایران با شورای همکاری خلیج فارس (۲۰۰۲-۲۰۰۶)

ارقام به میلیون دلار

نرخ رشد دوره (%)	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	شوح	
۲۱/۰	۱۰۳۹۳۳	۹۸۶۸۷	۷۷۶۲۵	۵۹۴۲۶	۴۸۵۲۲	با جهان	ارزش کل تجارت ایران
۴۵/۴	...	۹۹۶۳	۷۴۰۱	۴۷۷۰	۳۲۴۴	با pGCC	
۱۴/۷	....	۱۰/۱	۹/۵	۸/۰	۶/۷	سهام (درصد)	
۱۵/۸	۵۲۱۶۰	۴۹۶۶۵	۴۲۹۳۰	۳۲۹۲۹	۲۸۹۸۹	با جهان	ارزش تجارت غیرنفتی ایران
۴۶/۱	....	۹۷۵۳	۷۲۳۶	۴۷۱۸	۳۱۲۵	با pGCC	
۲۲/۱	....	۱۹/۶	۱۶/۹	۱۴/۳	۱۰/۸	سهام (درصد)	
۲۲/۴	۶۳۲۴۷	۶۰۰۱۲	۴۴۶۲۸	۳۳۷۸۸	۲۸۱۸۶	کل صادرات ایران به جهان	
۷/۳	۱۱۴۸۶	۱۱۰۰۵	۹۹۴۳	۷۳۰۰	۸۶۶۱	به جهان	صادرات غیرنفتی ایران
-۱۲/۳	۱۸/۲	۱۸/۳	۲۲/۳	۲۱/۶	۳۰/۷	سهام از کل صادرات	
۲۶/۹	۲۷۵۵	۲۲۹۲	۱۴۸۳	۱۱۸۵	۱۰۶۲	به pGCC*	
۱۸/۳	۲۴/۰	۲۰/۸	۱۴/۹	۱۶/۲	۱۲/۳	سهام pGCC	واردات ایران
۱۸/۹	۴۰۶۸۶	۳۸۶۷۵	۳۲۹۹۷	۲۵۶۳۸	۲۰۳۳۶	از جهان	
۳۶/۹	...	۷۶۷۲	۵۹۱۸	۳۵۸۵	۲۱۸۲	از pGCC	
۱۶/۶	...	۱۹/۸	۱۷/۹	۱۴/۰	۱۰/۷	سهام pGCC (درصد)	

ماخذ: Personal Computer Trade Analysis System(PC/TAS)

... آمار در دسترس نیست

\* در برخی از سالها صادرات گاز به pGCC صورت پذیرفته است، اما بدلیل کم بودن آمار آن جداسازی نشده است.

بررسی های آماری حاکی است که ارزش کل صادرات ایران به جهان از ۲۸/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۲۲/۴ به ۶۳/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. ارزش صادرات غیرنفتی ایران به جهان از ۸/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۱/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است اما سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات ایران طی دوره مورد بررسی به میزان ۱۲/۳ درصد کاهش یافته است. شورای همکاری خلیج فارس در جذب کل صادرات ایران از ۳/۷ درصد در سال ۲۰۰۲ به

۴/۳ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. همچنین صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از ۱۰۶۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه حدود ۲۷ درصد به ۲۷۵۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است و نکته جالب توجه آن است که میزان رشد صادرات غیرنفتی شورا بیش از نرخ رشد کل صادرات غیرنفتی ایران (۷/۳ درصد) به جهان بوده است. این مسئله باعث شده است که این کشورها در صادرات غیرنفتی ایران جایگاه مناسب تری را به خود اختصاص دهند؛ بطوریکه سهم آنها در صادرات غیرنفتی از ۱۲/۳ درصد در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد ۱۸/۳ درصدی به ۲۴ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یابد.

واردات ایران از جهان از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۱۸/۹ درصد به بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. واردات ایران از کشورهای عضو شورا از ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ با نرخ رشد متوسط سالیانه ۳۶/۹ درصد به ۷/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. همچنین نرخ رشد واردات ایران از این کشورها به مراتب بیشتر از نرخ رشد واردات ایران از کل جهان است که خود مبین اهمیت کشورهای مذکور در تامین واردات ایران بعنوان شرکای تجاری مهم می باشد. آمار نشان می دهد که سهم شورا در واردات ایران از ۱۰/۷ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۱۹/۸ درصد در سال ۲۰۰۵ رسیده است و حدود یک پنجم کل نیازهای وارداتی ایران از طریق کشورهای مذکور تامین شده است.

چگونگی اثربخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی از دیرباز مورد توجه محققان و پژوهشگران اقتصادی بوده است. مطالعات متعددی تاثیر مثبت و معنادار واردات کالاهای سرمایه ای و کالاهای واسطه ای را بر تولید و اشتغال و در نتیجه رشد اقتصادی را تایید نموده اند.<sup>۱</sup> با توجه به اهمیت موضوع، در جدول (۲)، وضعیت صادرات و واردات ایران به pGCC به تفکیک طبقه بندی کالایی چهارگانه بانک جهانی یعنی سرمایه ای، مصرفی، واسطه ای و مواد خام ارائه شده است.

## جدول ۲- وضعیت صادرات و واردات ایران در تجارت با شورای همکاری خلیج فارس به تفکیک مواد خام، کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای

(ارقام به میلیون دلار)<sup>۱</sup>

شرح	۲۰۰۲	۲۰۰۴	*۲۰۰۵/۲۰۰۶	متوسط ۲۰۰۲-۰۶*		نرخ رشد(%) *(۲۰۰۲-۰۶)
				ارزش	سهم از کل	
صادرات	سرمایه‌ای	۲۰/۸	۴۶/۵	۸۲/۰	۴۴/۸	۴۱/۰
	مصرفی	۲۹۹/۳	۳۴۷/۵	۸۲۰/۷	۴۴۲/۷	۲۸/۷
	واسطه‌ای	۳۶۵/۴	۶۶۵/۳	۱۲۵۰/۱	۷۶۲/۳	۳۶
	موادخام	۳۶۵/۳	۴۱۳/۶	۵۹۱/۹	۴۹۵/۳	۱۲/۸
واردات	pGCC	۹۵۹/۳	۱۴۵۶/۹	۲۳۸۶/۶	۱۶۳۷/۱	۲۵/۶
	سرمایه‌ای	۸۸۵/۳	۱۶۷۵/۴	۲۳۰۲/۴	۱۵۴۶/۳	۳۷/۵
	مصرفی	۳۹۹/۰	۸۷۵/۴	۱۱۳۳/۷	۷۶۰/۰	۴۱/۶
	واسطه‌ای	۶۹۴/۹	۱۹۶۱/۰	۲۱۷۹/۲	۱۴۷۰/۴	۴۶/۴
	موادخام	۱۸۶/۶	۱۲۶۷/۱	۲۰۴۳/۰	۱۰۰۹/۶	۱۲۲/۱
	pGCC	۲۱۶۵/۷	۵۷۷۸/۸	۷۶۵۸/۴	۴۷۸۶/۴	۵۴/۴

ماخذ: نرم افزار آماری PCTAS و محاسبات تحقیق

\* آخرین آمار موجود واردات مربوط به سال ۲۰۰۵ است، لذا متوسط واردات و نرخ رشد مربوط به دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۲ می باشد.

مطابق جدول مذکور طی دوره ۲۰۰۲-۰۶، حدود ۴۶/۶ درصد مربوط به کالاهای واسطه‌ای بوده و صادرات موادخام با ۳۰/۳ درصد، کالاهای مصرفی با ۲۷ درصد و کالاهای سرمایه‌ای با ۲/۷ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. همچنین مطابق جدول (۲)، کالاهای واسطه‌ای همواره بیشترین میزان صادرات ایران به PGCC را به خود اختصاص داده‌اند. اما رتبه دوم در تمام دوره متعلق به موادخام نبوده و رشد ۲۸/۷ درصدی صادرات کالاهای مصرفی باعث شد که این جایگاه در سال ۲۰۰۶ متعلق به صادرات کالاهای مصرفی باشد. عبارت دیگر صادرات بیشتر به سمت کالاهایی که تولید آنها متضمن ارزش افزوده و اشتغال‌زایی بیشتر است، متمرکز شده است. صادرات کالاهای سرمایه‌ای نیز رشد بسیاری پایینی را طی دوره پنجساله مورد بررسی تجربه کرده است.

همچنین بررسی ترکیب واردات ایران از PGCC طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۲ نشان می‌دهد

۱. اختلافات آماری بین جداول ۱ و ۲ در رقم کلی صادرات و واردات ایران در تجارت با PGCC، بدلیل عدم لحاظ تجارت کمتر از ۵۰ هزار دلار در سرجمع صادرات و واردات ایران بر اساس طبقه‌بندی چهارگانه کالایی مورد نظر است.

که بیش از ۶۰ درصد آن مربوط به کالاهای سرمایه‌ای (۳۲/۳ درصد) و واسطه‌ای (۳۰/۷ درصد) بوده است و واردات کالاهای مصرفی و مواد خام کمتر از ۴۰ درصد کل واردات را تشکیل می‌دهد. کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در تمام سال‌های مورد بررسی رتبه‌های اول و دوم واردات را به خود اختصاص داده‌اند اما واردات مواد خام که در سال ۲۰۰۲ کمترین حجم واردات ایران را از PGCC تشکیل می‌داد در سال ۲۰۰۵ با توجه به رشد ۱۲۲ درصد خود از واردات کالاهای مصرفی پیشی گرفته و عنوان سومین گروه کالاهای وارداتی ایران را از آن خود کرده است.

### ب- ساختار تعرفه‌ای

بررسی ساختار تعرفه‌ای PGCC و ایران در تجارت متقابل، حاکی از سطوح تعرفه‌ای بسیار پایین آن کشورها در مقابل سطوح تعرفه‌ای ایران است. مطابق جدول ۳، میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌های ایران بر واردات از کشورهای عضو اتحادیه گمرکی به ترتیب ۲۲/۹ درصد و ۱۴/۸ درصد است. مطابق جدول فوق، میانگین حسابی و وزنی تعرفه کشورهای امارات متحده عربی و عربستان سعودی، قطر و بحرین بین ۴/۵ تا ۵ درصد بوده و در مورد دو کشور کویت و عمان، میانگین حسابی و وزنی تعرفه در سطوح پایین تری نسبت به دیگر کشورها قرار دارد. در مقابل، میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌های ایران بر واردات از کشورهای مذکور در سطوح بسیار بالاتری قرار دارد.

### جدول ۳- میانگین حسابی و وزنی تعرفه‌های ایران و PGCC در تجارت متقابل

میانگین تعرفه‌های PGCC بر واردات از ایران (درصد)		میانگین تعرفه‌های PGCC بر واردات از ایران (درصد)		منطقه/کشور
وزنی	حسابی	وزنی	حسابی	
۱۴/۸	۲۲/۹	۴/۲	۴/۷	شورای همکاری خلیج فارس
۱۵/۱	۲۳	۴/۶	۴/۷	امارات متحده عربی
۷/۶	۱۸/۹	۴/۶	۴/۶	عربستان
۷/۵	۲۰/۵	۴/۵	۴/۷	قطر
۱۷/۵	۲۵/۹	۱/۸	۳/۶	کویت
۱۸	۱۸/۶	۴/۵	۴/۵	بحرین
۱۷/۵	۲۲/۲	۱/۵	۴	عمان



بررسی ساختار تعرفه‌ای شورا بر واردات کالا از ایران در سطح کدهای شش رقمی HS حاکی است که بخش عمده تعرفه‌های کشورهای مذکور (بیش از ۸۵ درصد) دارای سطح تعرفه‌ای ۵ درصد می‌باشند و تنها ۰/۲ درصد بالای این میزان می‌باشند. همچنین ۷/۷ درصد از تعرفه‌های بین صفر تا ۵ درصد و ۶/۹ درصد از تعرفه‌ها نیز صفر درصد می‌باشند. همچنین بررسی ساختار تعرفه‌ای ایران در قبال واردات از شورا حاکی است حداقل سطح تعرفه‌ای در ایران برخلاف کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ۴ درصد می‌باشد و بیشترین تعداد ردیف‌های تعرفه‌ای ایران (حدود ۲۶ درصد) نیز ۴ درصد می‌باشند. از لحاظ فراوانی تعرفه‌های بین ۲۰ تا ۳۰ درصد در رتبه دوم (بیش از ۱۸ درصد) است و تعرفه‌ها بین ۴ تا ۱۰ نیز کمترین فراوانی (۲/۳ درصد) را دارند. طیف وسیعی از ردیف‌های تعرفه‌ای بیش از ۱۸ درصد دارای سطح بیش از ۵۰ درصد و بطور کلی حدود ۵۰ درصد تعرفه‌ها دارای سطح بیش از ۲۰ درصد می‌باشند که بیانگر بالا بودن سطوح تعرفه‌ای ایران می‌باشد.<sup>۱</sup>

## ۲. مبانی نظری و مطالعات انجام شده

از بعد روابط بین‌الملل نظریه‌های همگرایی، از جمله نظریات جدید در علوم روابط بین‌الملل می‌باشد که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و به منظور تجزیه و تحلیل روابط بین‌المللی و سیاست‌های منطقه‌ای ارائه گردیده است. صاحب‌نظران مختلف هر کدام بر اساس نگرش خود به این موضوع پرداخته‌اند. برخی همگرایی را فرآیندی می‌دانند که بوسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می‌شوند که انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به سمت مرکز جدیدی که نهادهای آن دارای اختیارات قانونی یا خواستار اختیارات قانونی و رای اختیارات کشورها هستند، سوق دهند.

بطور کلی نظریات گوناگونی در خصوص آثار موافقت‌نامه‌های ترجیحی (PTA,S) بین کشورها بر روابط تجاری آنها ارائه شده است که در بین آنها «ژاکوب و اینر (۱۹۵۰)» از پیشگامان ارائه اینگونه نظریات می‌باشد. پس از واینر اقتصاددانانی مانند «لیسی»، «لنکستر»، «هری جانسون» و «جیمز مید» به تکمیل و گسترش نظریه واینر پرداختند. «نظریه واینر»

بر این اعتقاد استوار است که موافقتنامه‌های ترجیحی تجارت چون با آزادسازی غیر تبعیضی تجارت تفاوت دارد، می‌تواند تجارت را در بین اعضا گسترش داده (ایجاد تجارت) ولی در عین حال رفاه آنان و رفاه جهانی را کاهش دهد و تجارت را در کشورهایی که در تولید کالاهای وارداتی اعضای موافقت‌نامه کارایی دارند منحرف ساخته (انحراف تجارت) و در نهایت از طریق جایگزینی محصولات دارای کیفیت بالا با محصولات دارای کیفیت پایین‌تر سبب کاهش رفاه مصرف‌کننده در بین اعضا و عدم تخصیص بهینه منابع گردد. «واینر» معتقد است که آزادسازی‌های تبعیضی در قالب موافقت‌نامه‌های ترتیبات ترجیحی و اتحادیه گمرکی دارای دو اثر متفاوت است. از یک طرف سبب افزایش رقابت و تجارت در بین اعضا می‌شود که گامی به سوی آزادسازی تجارت است و از طرف دیگر این ترتیبات می‌تواند سبب افزایش حمایت و افزایش محدودیت‌ها بر رقابت در بقیه نقاط جهان شود که خود عاملی در جهت حمایت‌گرایی است. «چاچولیادس» معتقد است تئوری اتحادیه گمرکی با شرط بهینه پاراتو سازگاری نداشته و با حداکثر رساندن رفاه ملازمه و سازگاری ندارد زیرا وجود تعرفه مشترک خارجی با این شرط مغایر است و در نتیجه اتحادیه گمرکی مورد خاصی از تئوری بهینه دوم است. او در بیان «نظریه واینر» می‌گوید که به هر حال اثر یک اتحادیه گمرکی بر رفاه بستگی به این دارد که کدامیک یکی از دو اثر ایجاد تجارت و انحراف تجارت قوی‌تر از دیگری باشد. او همچنین معتقد است که واینر در تجزیه و تحلیل خود فقط اثر تولیدی را مدنظر داشته است در حالی که در ایجاد اتحادیه گمرکی باید به اثر افزایش مصرف که خود موجب افزایش تجارت و بهبود در رفاه می‌باشد نیز توجه داشت.<sup>۱</sup> «بگواتی و پاناگاریا» موافقت‌نامه‌های ترتیبات ترجیحی را فرصت‌هایی برای صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تخصص‌گرایی دانسته و آن را راهی برای فائق آمدن بر محدودیت‌های مربوط به بازارهای کوچک می‌دانند.<sup>۲</sup> برخی صاحب‌نظران دیگر اینگونه یکپارچگی‌ها را بدلیل کاهش هزینه‌های حمل و نقل عاملی برای توجیه منافع تجاری قلمداد نموده‌اند.<sup>۳</sup>

1. Chacholiades, Miltiades (1990).

2. Bhagwati, J. and Panagariya, A (1996).

3. Frankel, J. Stein, E. & Wei, S (1995).

مطالعات متعددی برای برآورد و اندازه‌گیری آثار ایجاد مناطق آزاد یا موافقت‌نامه‌های ترتیبات ترجیحی انجام شده است. از جمله مطالعات خارجی که از مدل‌های تعادل جزئی به منظور اندازه‌گیری آثار مذکور استفاده نموده‌اند، مطالعه «جاچیا و تلجر»<sup>۱</sup>، «تاسیکاتا»<sup>۲</sup>، «ماتياس باس و دیگران»<sup>۳</sup> و «وان سونتر»<sup>۴</sup> می‌باشند که جامع و کامل‌ترین آنها مطالعه «جاچیا و تلجر» از کارشناسان بانک جهانی می‌باشد که اثرات موافقت‌نامه ناحیه تجارت آزاد (FTA) بر جریان تجاری دو طرفه بین افریقای جنوبی و اتحادیه اروپا (EU) را مورد بررسی قرار داده‌اند. در داخل کشور نیز مطالعات پراکنده‌ای با به کارگیری مفاهیم ایجادتجارت و انحراف تجارت انجام پذیرفته است که مطالعات «اشرف‌زاده»<sup>۷</sup>، «ارباب»<sup>۸</sup>، «ثاقب»<sup>۹</sup> از آن جمله می‌باشند. در یکی از مطالعات نیز آثار موافقت‌نامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان با به کارگیری مدل تعادل جزئی اسمارت در دو سناریوی کاهش تعرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.<sup>۱۰</sup> همچنین با توجه جایگاه شورای همکاری خلیج فارس و به ویژه امارات متحده عربی در تجارت ایران، مطالعاتی پیرامون اقدامات تجاری کشورهای مذکور و آثار این اقدامات بر ایران انجام شده است که از جمله می‌توان مطالعه ایجاد اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس بر صادرات ایران<sup>۱۱</sup> و همچنین مطالعه پیامدهای ایجاد منطقه تجارت آزاد بین شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا بر تجارت ایران<sup>۱۲</sup> اشاره نمود.

1. Jachia, L. & et al. (1998).
2. Tsikata. Y. M. (1999).
3. Busse, M. Huth. M, Koopmann. M. (2000).
4. Van Seventer. D. E, Thambi. M. (2001).
5. Free Trade Area (FTA).
6. European Union (EU) .

۷. اشرف‌زاده، سید حمیدرضا (۱۳۷۵).

۸. ارباب، حمیدرضا (۱۳۸۰).

۹. ثاقب، حسن (خردادماه ۱۳۸۵).

۱۰. ثاقب، حسن و صادقی یارندی، سیف‌اله (۱۳۸۵).

۱۱. ثاقب، حسن (۱۳۸۵).

۱۲. ثاقب، حسن (۱۳۸۶).

### ۳. ارائه مدل

اهمیت آثار ایجاد تجارت و انحراف تجارت موافقت‌نامه‌های همگرایی منطقه‌ای منجر به تلاش محققین برای محاسبه و اندازه‌گیری این اثرات شده است. یکی از روش‌های اجرایی به کار گرفته شده در این زمینه مدل «اسمارت»<sup>۱</sup> است که در چارچوب یک مدل تعادل جزئی انجام می‌پذیرد. این مدل شبیه‌سازی اثرات ایجاد موافقت‌نامه را بر جریان‌های تجاری دو جانبه یا چندجانبه با دیگر شرکای تجاری نشان می‌دهد. در این مدل برای تعیین اثرات موافقت‌نامه، سمت واردات و سمت صادرات به صورت جداگانه بررسی و سپس با تلفیق ایندو به تعیین اثر خالص مبادرت می‌شود. پیش‌بینی شبیه‌سازی اسمارت بطور مستقیم متأثر از سه متغیر کلیدی یعنی سطح جاری واردات، اندازه کاهش تعرفه و کشش تقاضای واردات می‌باشد. کل آثار ایجاد موافقت‌نامه از مجموع دو اثر ایجاد تجارت (TC) و انحراف تجارت (TD) محاسبه می‌گردد. اثر ایجاد تجارت بیانگر افزایش واردات یک کشور عضو از سایر اعضای موافقت‌نامه بدلیل کاهش قیمت کالاهای وارداتی است. واردات ناشی از اثر ایجاد تجارت منجر به جایگزینی کالاهای وارداتی بجای کالاهای مشابه داخلی خواهد شد. در این مطالعه برای اندازه‌گیری ایجاد تجارت از معادله زیر استفاده می‌شود:<sup>۲</sup>

$$TC = M_{ijk} \eta_i^m \frac{dt_{ijk}}{(1 + t_{ijk})}$$

بطوری که در آن :

$M_{ijk}$ : بیانگر واردات اولیه کالای  $i$  از کشور  $k$ .

$\frac{dt_{ijk}}{(1 + t_{ijk})}$ : بیانگر تغییرات سطوح تعرفه‌ای کالای  $i$  در کشور  $z$ .

$\eta_i^m$ : بیانگر کشش تقاضای واردات کالای  $i$  از کشور  $k$  توسط کشور  $z$ .

برای کشش تقاضای واردات از کشش تقاضای واردات محاسبه شده بانک جهانی

برای تمامی کالاها در سطح کدهای شش رقمی HS استفاده شده است.

1. SMART.

۲. ثاقب، حسن (خردادماه ۱۳۸۵).

انحراف تجاری افزایش در واردات کشور  $i$  از کشور عضو موافقت‌نامه (کشور  $j$ ) بدلیل کاهش در قیمت نسبی کالاهای وارداتی نسبت به سایر شرکای تجاری است که در واقع ترکیب جغرافیایی واردات را تغییر می‌دهد. بر این اساس با توجه به بزرگتر یا کوچکتر بودن اثرات ایجاد و انحراف تجارت، رفاه در کشور  $i$  بدلیل تغییر واردات کالا از کشور تولیدکننده با کارایی بالاتر به سمت کشور تولیدکننده با کارایی پایین‌تر، افزایش یا کاهش خواهد یافت. برای اندازه‌گیری انحراف تجارت از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$TD_{ijk} = \frac{M_{ijk} \sum_k M_{ijk} \sum_K M_{ijK} \frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} \sigma_m}{\sum_k M_{ijk} \sum_k M_{ijk} + \sum_K M_{ijK} + \sum_k M_{ijk} \frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} \sigma_m}$$

که در آن:

$TD_{ijk}$ : نشان‌دهنده میزان انحراف تجارت.

$M_{ijk}$ : نشان‌دهنده ارزش واردات از کشورهای عضو موافقت‌نامه.

$M_{ijK}$ : نشان‌دهنده واردات از کشورهای غیر عضو.

$\sigma_m$ : نشان‌دهنده کشش جانشینی واردات کالا (که به تبعیت از مدل اسمارت این کشش برای تمام کالاها ۱/۵- فرض شده است).

$\frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})}$  که بیانگر تغییر در قیمت نسبی کالای وارداتی  $i$  بین کشورهای عضو و

غیر عضو است و از رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$\frac{\Delta(P_{ijk} / P_{ijK})}{(P_{ijk} / P_{ijK})} = \frac{1 + T_1^k}{1 + T_1^K} - 1 = \frac{1 + T_0^k}{1 + T_0^K}$$

در رابطه فوق:  $T_0^k$  و  $T_0^K$  به ترتیب بیانگر تعرفه اولیه کشور عضو و غیر عضو بر

کالای  $i$ .

$T_1^k$  و  $T_1^K$  به ترتیب بیانگر تعرفه کشور عضو و غیر عضو بر کالای  $i$  پس از ایجاد

موافقت‌نامه می‌باشند.

بر اساس مدل اسمارت، مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در سایر اعضای

موافقت‌نامه به نفع هر کشور عضو بیانگر تغییر در صادرات و مجموع اثرات فوق در هر

کشور عضو به نفع سایر اعضای بیانگر تغییر در آن واردات آن کشور می باشد.

تغییر در درآمدهای تعرفه‌ای نیز از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$R_0 = \sum_i \sum_k t_{ijk}^0 P_{ijk} M_{ijk} \quad R_0 = \text{درآمد تعرفه‌ای قبل از ایجاد موافقت نامه}$$

$$R_1 = \sum_i \sum_k t_{ijk}^1 P_{ijk} M_{ijk} \quad R_1 = \text{درآمد تعرفه‌ای بعد از ایجاد موافقت نامه}$$

$$RL = \sum_i \sum_k \Delta t_{ijk} P_{ijk} M_{ijk} \quad RL = \text{تغییر در درآمد تعرفه‌ای}$$

اثرات رفاهی نیز با استفاده از رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$W_{ijk} = 0.5(\Delta M_{ijk} \Delta t_{ijk})$$

که در آن :

$W_{ijk}$ : بیانگر آثار رفاهی

$\Delta M_{ijk}$  بیانگر تغییرات واردات

$\Delta t_{ijk}$  بیانگر تغییرات تعرفه

و همچنین ضریب ۰/۵ متوسط بین ارزش موانع تجاری وضع شده در قبل و بعد از کاهش یا حذف را لحاظ می کند. در معادله فوق فرض بر این است که کشش عرضه صادرات بینهایت است. اما اگر چنین نباشد، کاهش قیمت‌های وارداتی در کشورهای واردکننده کمتر از کاهش موانع تجاری کاهش پیدا می کند.

#### ۴. نتایج و بحث

در این بخش نتایج برآوردهای تحقیق که با استفاده از مدل معرفی شده در بخش پیشین صورت پذیرفته است، به تفکیک طبقه‌بندی چهارگانه کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای، مصرفی و موادخام است ارائه می گردد.

**تغییرات در صادرات:** همانطور که اشاره گردید مجموع اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت در شورای همکاری خلیج فارس به نفع ایران معادل تغییرات در صادرات ایران می باشد. برآوردهای انجام شده در چارچوب مدل اسمارت نشان می دهد که پس از تشکیل FTA بین ایران و PGCC، ایجاد تجارت و انحراف تجارت در آن کشورها به نفع

ایران به ترتیب معادل ۶۷۵۰۱ هزار دلار و ۱۷۴۸۰۰ هزار دلار خواهد بود. این ارقام نشان می‌دهند که بیش از ۷۲ درصد آثار مربوط به انحراف تجارت و کمتر از ۲۸ درصد مربوط به ایجاد تجارت می‌باشد. پیش‌بینی تغییرات صادرات ایران به شورای همکاری خلیج فارس پس از ایجاد FTA در جدول (۴) ارائه شده است. مطابق جدول مذکور، کل تغییر در صادرات ایران به شورا معادل ۲۴۲۲۹۷ هزار دلار برآورد شده است که رشد ۱۱ درصدی در صادرات ایران را نشان می‌دهد که ۱۳۲۹۰۸ هزار دلار (حدود ۵۵ درصد) از آن مربوط به افزایش صادرات کالاهای واسطه‌ای خواهد بود؛ افزایش صادرات کالاهای مصرفی با ۶۴۷۶۲ هزار دلار (۲۶/۷ درصد) و موادخام با ۳۶۱۲۶ هزار دلار (حدود ۱۵ درصد) در مراتب بعدی قرار دارند. همچنین کمترین میزان تغییرات در صادرات مربوط به کالاهای سرمایه‌ای با ۸۵۰۱ هزار دلار (۳/۵ درصد) می‌باشد. بطور کلی کالاهای سرمایه‌ای کمترین سهم در صادرات فعلی ایران به شورا را خود اختصاص داده‌اند. ستون ۵ از جدول (۴)، درصد تغییر یا رشد صادرات ایران پس از ایجاد FTA را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌گردد که بیشترین رشد در صادرات متعلق به کالاهای سرمایه‌ای (۱۶/۶ درصد) علی‌رغم دارا بودن پایین‌ترین سهم در صادرات فعلی، خواهد بود و پس از آن کالاهای مصرفی با ۱۳/۲ درصد در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. دلیل عمده پیش‌بینی رشد بالاتر صادرات این کالاها، در مورد کالاهای سرمایه‌ای کشش بالای تقاضای واردات و در مورد کالاهای مصرفی، تعرفه‌های بالای این کالاها به نسبت سایر کالاها می‌باشد. همچنین درصد تغییر (افزایش) در صادرات کالاهای واسطه‌ای ۱۲ درصد و کمترین درصد تغییر یا افزایش در صادرات مربوط به صادرات موادخام (۶/۵ درصد) خواهد بود.

#### تغییرات در واردات: مقادیر برآوردی مدل اسمارت نشان می‌دهد که تشکیل FTA

معادل ۵۱۷۴۰۸ هزار دلار ایجاد تجارت و معادل ۱۲۸۱۲۳۱ هزار دلار انحراف تجارت در ایران به نفع PGCC خواهد داشت. همچنین این ارقام نشان می‌دهند که آثار مذکور در ایران نسبت به PGCC به مراتب بزرگتر است. در ضمن همانند آن کشورها، در ایران نیز سهم اثر انحراف تجارت (بیش از ۷۱ درصد) بیشتر از اثر ایجاد تجارت (کمتر از ۲۹ درصد) می‌باشد. مطابق جدول (۴) کل تغییرات در واردات ایران از شورا معادل ۱۷۹۸۶۳۹ هزار

دلار برآورد شده است که این رقم بیانگر رشد ۲۳/۵ درصدی واردات پس از FTA می‌باشد. از کل تغییر در واردات معادل ۶۰۵۵۱۷ هزار دلار (حدود ۳۴ درصد) مربوط به افزایش واردات کالاهای مصرفی و ۶۰۰۲۲۵ هزار دلار (حدود ۳۳ درصد) مربوط به کالاهای سرمایه‌ای خواهد بود؛ افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای با ۴۰۶۴۲۷ هزار دلار (۲۲/۶ درصد) و مواد خام با ۱۸۶۴۷۱ هزار دلار (۱۰/۴ درصد) در مراتب بعدی قرار دارند. ستون ۵ از جدول (۴)، درصد تغییر یا رشد واردات ایران پس از ایجاد FTA را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌گردد که بیشترین رشد در واردات، متعلق به کالاهای مصرفی (۵۳/۴ درصد) علی‌رغم دارا بودن پایین‌ترین سهم در واردات فعلی، خواهد بود، بطوریکه از لحاظ میزان تغییر یا افزایش در واردات با کالاهای سرمایه‌ای برابری نموده و هر کدام از دو گروه کالاهای مذکور حدود ۳۳ درصد از کل تغییرات واردات را به خود اختصاص خواهند داد در حالیکه بخش عمده واردات ایران از شورای همکاری خلیج فارس متعلق به کالاهای سرمایه‌ای بوده و بطور تقریبی واردات فعلی اینگونه کالاها دو برابر کالاهای مصرفی می‌باشد. رشد بالای واردات کالاهای مصرفی از شورای همکاری خلیج فارس پس از تشکیل FTA بدلیل تعرفه‌های بالای ایران بر واردات این کالاها و همچنین کشتش تقاضای واردات بالای این کالاها بنا بر ماهیت مصرفی این کالاها می‌باشد. پس از دو گروه کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، کالاهای واسطه‌ای با درصد تغییر ۱۸/۶ درصد در مرتبه بعدی از لحاظ رشد واردات قرار گرفته و واردات مواد خام با کمترین درصد تغییر (۹/۱ درصد) در رتبه آخر قرار خواهد گرفت.

**تغییرات در کل تجارت:** بر اساس برآوردهای انجام شده از تغییرات در صادرات و واردات ایران پس تشکیل FTA، در جدول (۴) پیش‌بینی تغییرات در تجارت ایران با pgCC ارائه شده است. تغییر در تجارت ایران به میزان ۲۰۴۰۹۳۶ هزار دلار برآورد شده است که رشد ۲۰/۷ درصدی را پس از تشکیل FTA نشان می‌دهد. بر اساس جدول مذکور، پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۳ درصد و بیشترین میزان تغییر در ارزش تجارت ایران با شورای همکاری خلیج فارس پس از ایجاد FTA مربوط به کالاهای مصرفی خواهد بود. کالاهای سرمایه‌ای با سهم معادل ۳۹/۸ درصد و کالاهای واسطه‌ای با سهم ۲۶/۴ درصد در



مراتب بعدی قرار داشته و کمترین سهم در تغییرات ارزش تجارت معادل ۱۰/۹ درصد مربوط به مواد خام خواهد بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود که ارزش تجارت کالاهای مصرفی علاوه بر احراز بالاترین سهم از کل تغییرات در ارزش تجارت، بیش از ۴۱ درصد و بیشترین میزان رشد در ارزش تجارت را نیز به خود اختصاص خواهد داد و از این نظر رشد ارزش تجارت ایران با کشورهای عضو شورا در کالاهای سرمایه‌ای پس از ایجاد FTA با حدود ۳۰ درصد در رتبه دوم قرار دارد. همچنین درصد تغییرات در ارزش تجارت کالاهای واسطه‌ای و مواد خام به ترتیب با ۱۶/۴ درصد و ۸/۶ درصد به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار خواهند گرفت. بطور کلی برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که پس از ایجاد منطقه تجارت آزاد بین ایران و PGCC ارزش تجارت کالاهای مصرفی بیشترین و مواد خام کمترین تاثیر را از لحاظ افزایش در تجارت خواهند پذیرفت.

**تغییرات در تراز تجاری:** پس از برآورد میزان افزایش در صادرات و واردات، تغییرات در تراز تجاری قابل پیش‌بینی خواهد بود. مطابق جدول (۴)، با توجه افزایش بیشتر واردات به نسبت صادرات، کسری تراز تجاری ایران با شورا به میزان ۱۵۵۶۳۴۳ هزار دلار افزوده خواهد شد. همچنین در هر چهار گروه کالایی طبقه‌بندی شده تراز تجاری ایران با شورای همکاری خلیج فارس قبل از تشکیل FTA از کسری برخوردار بوده و تشکیل FTA باعث تشدید این کسری‌ها خواهد شد. کالاهای سرمایه‌ای بیشترین سهم و نقش را در تشدید کسری تراز تجاری ایران با شورا خواهد داشت. ۳۸ درصد از کل کسری تراز تجاری مربوط به این دسته از کالاهای می‌باشد و پس از آن کالاهای مصرفی قرار دارند که پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۵ درصد از کل کسری در تراز تجاری را به خود اختصاص خواهند داد. کالاهای مصرفی پایین‌ترین سهم را در کسری تراز تجاری قبل از تشکیل FTA دارند اما کسری تراز تجاری کالاهای مصرفی پس از تشکیل FTA حدود ۸۴ درصد رشد خواهد یافت بطوری که از نظر سهم و نقش در کسری تراز تجاری، تقریباً هم‌تراز کالاهای سرمایه‌ای قرار خواهند گرفت.

## جدول ۴- پیش بینی تغییرات در تجارت و تراز تجاری ایران

## با شورای همکاری خلیج فارس

نوع کالا (۱)	قبل از FTA (به هزار دلار) (۲)	پس از FTA (به هزار دلار) (۳)	ارزش تغییرات (به هزار دلار) (۴)	درصد تغییرات (۵)	سهم از کل تغییرات (درصد) (۶)
سرمایه‌ای	۵۱۱۳۱	۵۹۶۳۲	۸۵۰۱	۱۶/۶	۳/۵
مصرفی	۴۸۹۱۴۸	۵۵۳۹۱۰	۶۴۷۶۲	۱۳/۲	۲۶/۷
واسطه‌ای	۱۱۱۱۷۲۹	۱۲۴۴۶۳۷	۱۳۲۹۰۸	۱۲/۰	۵۴/۹
موادخام	۵۵۵۲۴۰	۵۹۱۳۶۶	۳۶۱۲۶	۶/۵	۱۴/۹
کل	۲۲۰۷۲۴۸	۲۴۴۹۵۴۵	۲۴۲۲۹۷	۱۱/۰	۱۰۰/۰
سرمایه‌ای	۲۳۰۲۴۴۹	۲۹۰۲۶۷۴	۶۰۰۲۲۵	۲۶/۱	۳۳/۴
مصرفی	۱۱۳۳۶۸۹	۱۷۳۹۲۰۶	۶۰۵۵۱۷	۵۳/۴	۳۳/۷
واسطه‌ای	۲۱۷۹۲۳۶	۲۵۸۵۶۶۳	۴۰۶۴۲۷	۱۸/۶	۲۲/۶
موادخام	۲۰۴۲۹۸۳	۲۲۲۹۴۵۴	۱۸۶۴۷۱	۹/۱	۱۰/۴
کل	۷۶۵۸۳۵۷	۹۴۵۶۹۹۶	۱۷۹۸۶۳۹	۲۳/۵	۱۰۰/۰
سرمایه‌ای	۲۳۳۳۵۸۰	۲۹۶۲۳۰۵	۶۰۸۷۲۵	۲۵/۹	۲۹/۸
مصرفی	۱۶۲۲۸۳۷	۲۲۹۳۱۱۵	۶۷۰۲۷۸	۴۱/۳	۳۲/۸
واسطه‌ای	۳۲۹۰۹۶۵	۳۸۳۰۳۰۰	۵۳۹۳۳۵	۱۶/۴	۲۶/۴
موادخام	۲۵۹۸۲۲۳	۲۸۲۰۸۲۰	۲۲۲۵۹۷	۸/۶	۱۰/۹
کل	۹۸۶۵۶۰۵	۱۱۹۰۶۵۴۱	۲۰۴۰۹۳۶	۲۰/۷	۱۰۰/۰
سرمایه‌ای	-۲۲۵۱۳۱۸	-۲۸۴۳۰۴۲	-۵۹۱۷۲۴	۲۶/۳	۳۸/۰
مصرفی	-۶۴۴۵۴۱	-۱۱۸۵۲۹۶	-۵۴۰۷۵۵	۸۳/۹	۳۴/۷
واسطه‌ای	-۱۰۶۷۵۰۷	-۱۳۴۱۰۲۶	-۲۷۳۵۱۹	۲۵/۶	۱۷/۶
موادخام	-۱۴۸۷۷۴۳	-۱۶۳۸۰۸۸	-۱۵۰۳۴۵	۱۰/۱	۹/۷
کل	-۵۴۵۱۱۰۹	-۷۰۰۷۴۵۲	-۱۵۵۶۳۴۳	۲۸/۶	۱۰۰/۰

ماخذ: محاسبات تحقیق

در مورد کالاهای واسطه‌ای از لحاظ تاثیر بر کسری تراز تجاری ایران با شورا بعد از تشکیل FTA، پیش بینی می‌گردد که پس از کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی قرار می‌گیرد و همچنین افزایش تجارت موادخام با شورای همکاری خلیج فارس نیز، بی‌نصیب از کسری تراز تجاری نخواهد بود اما کمترین سهم (حدود ۱۰ درصد) و نقش را در کل تغییرات کسری تراز تجاری ایران با شورا را داشته و کمترین افزایش در کسری (حدود ۱۰ درصد) پس از تشکیل FTA را خواهد داشت.

**تغییرات درآمدهای تعرفه‌ای ایران:** از جمله آثار ایجاد منطقه تجارت آزاد، حذف درآمدهای تعرفه‌ای کشورهای عضو می‌باشد. حذف موانع تعرفه‌ای فی مابین کشورهای عضو در عمل باعث حذف درآمدهای تعرفه‌ای خواهد شد. اگرچه در برخی موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی بین دو یا چند کشور، امکان افزایش درآمدهای تعرفه‌ای نیز وجود دارد؛ بدین صورت که کاهش تعرفه برخی از کالاهایی که دارای کشش تقاضای واردات بالایی بودند، امکان افزایش واردات را نیز فراهم می‌آورد. اما در موافقت‌نامه‌های FTA بدلیل حذف کامل موانع تعرفه‌ای، درآمدهای تعرفه‌ای به کلی از بین خواهند رفت. هرچند در مذاکرات برای تشکیل FTA فهرست برخی از کالاها در چارچوب موافقت‌نامه تحت عناوینی مختلف به عنوان مثال کالاهای حساس و یا فهرست منفی مستثنی از حذف تعرفه‌ها می‌شوند اما اولاً تعداد اینگونه کالاها بسیار محدود بوده و ثانیاً طی مدت معینی تعرفه این کالاها نیز بایستی بین اعضاء حذف گردد. پیش‌بینی‌ها در چارچوب مدل اسمارت حاکی است پس از ایجاد FTA. معادل ۸۹۱۵۳۵ هزار دلار (۲۳/۶ درصد) از درآمدهای تعرفه‌ای ایران کاسته خواهد شد (جدول ۵). بطور کلی بیشترین حجم یا ارزش درآمدهای تعرفه‌ای ایران از محل واردات کالاهای سرمایه‌ای کسب می‌گردد، حجم بالای واردات اینگونه کالاها (۴۱ درصد کل واردات کشور) و همچنین تعرفه‌های بطور نسبی بالای این کالاها (میانگین تعرفه وزنی ۱۶/۸ و میانگین تعرفه حسابی ۱۴/۸ درصد) عامل اصلی این شرایط می‌باشد. از این نظر کالاهای مصرفی در رتبه دوم و با اندکی تفاوت کالاهای واسطه‌ای در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند و کمترین میزان نیز مربوط به درآمدهای تعرفه‌ای ناشی از واردات مواد خام می‌باشد. بیشترین کاهش در درآمدهای تعرفه‌ای معادل ۳۲۰۶۶۸ هزار دلار (۳۶ درصد) مربوط به کالاهای مصرفی خواهد بود. کاهش درآمدهای تعرفه‌ای ناشی از واردات به ترتیب کالاهای سرمایه‌ای معادل ۲۷۷۳۷۱ هزار دلار (حدود ۳۱ درصد)، کالاهای واسطه‌ای معادل ۱۷۹۶۰۹ هزار دلار (بیش از ۲۰ درصد) و مواد خام معادل ۱۱۳۸۸۷ هزار دلار (حدود ۱۳ درصد) خواهد بود. مطابق ستون ۵ جدول (۵)، بیشترین میزان تغییر در درآمدهای تعرفه‌ای حدود ۵۰ درصد و مربوط به واردات مواد خام خواهد بود که در حال حاضر شورای همکاری خلیج فارس و به ویژه

کشور امارات متحده عربی مهمترین کشور تامین کننده نیاز وارداتی ایران در اینگونه کالاها بوده و پس از برقراری FTA با توجه به حذف موانع تعرفه‌ای این کالا و از دست رفتن درآمدهای تعرفه‌ای مربوطه، بیشترین نرخ کاهش درآمدهای تعرفه‌ای از ناحیه این کالاها خواهد بود.

**مازاد رفاه مصرف کنندگان در ایران:** از منافع ایجاد منطقه تجارت آزاد، افزایش رفاه مصرف کنندگان در کشورهای عضو می‌باشد. حذف موانع تعرفه‌ای فی مابین کشورهای عضو در عمل باعث کاهش قیمت داخلی کالاهای وارداتی، افزایش واردات و مصرف داخلی و در نتیجه مازاد رفاه مصرف کنندگان در بازار خواهد شد. کل مازاد رفاه مصرف کنندگان پس از ایجاد FTA معادل ۲۴۴۵۲۴ هزار دلار پیش‌بینی شده است. مطابق ستون ۷ جدول (۵) بیشترین اضافه رفاه مصرف کنندگان مربوط به واردات کالاهای مصرفی معادل ۱۳۶۳۱۴ هزار دلار (حدود ۵۶ درصد کل) خواهد بود و مازاد رفاه واردات کالاهای سرمایه‌ای با ۶۷۸۵۲ هزار دلار (۲۷/۷ درصد از کل) و کالاهای واسطه‌ای با ۲۸۹۶۰ هزار دلار (۱۱/۸ درصد از کل) در مراتب بعدی قرار داشته و کمترین میزان اضافه رفاه مصرف کنندگان نیز مربوط به واردات مواد خام معادل ۱۱۴۰۲ هزار دلار (۴/۷ درصد از کل) خواهد بود.

### جدول ۵- پیش‌بینی تغییرات درآمد تعرفه‌ای و مازاد رفاه مصرف کنندگان

#### در ایران پس از FTA با شورای همکاری خلیج فارس

نام کالا (۱)	درآمد تعرفه‌ای قبل از FTA (به هزار دلار) (۲)	درآمد تعرفه‌ای پس از FTA (به هزار دلار) (۳)	ارزش تغییرات (به هزار دلار) (۴)	درصد تغییرات (۵)	سهام از کل تغییرات (درصد) (۶)	اضافه رفاه مصرف کنندگان پس از FTA (به هزار دلار) (۷)	سهام از کل (درصد) (۸)
سرمایه‌ای	۱۶۵۷۸۷۲	۱۳۸۰۵۰۱	-۲۷۷۳۷۱	-۱۶/۷	۳۱/۱	۶۷۸۵۲	۲۷/۷
مصرفی	۹۶۱۲۶۵	۶۴۰۵۹۷	-۳۲۰۶۶۸	-۳۳/۴	۳۶/۰	۱۳۶۳۱۴	۵۵/۷
واسطه‌ای	۹۲۶۴۸۶	۷۴۶۸۷۶	-۱۷۹۶۰۹	-۱۹/۴	۲۰/۱	۲۸۹۶۰	۱۱/۸
مواد خام	۲۲۹۲۲۵	۱۱۵۳۳۹	-۱۱۳۸۸۷	-۴۹/۷	۱۲/۸	۱۱۴۰۲	۴/۷
کل	۳۷۷۴۸۴۸	۲۸۸۳۳۱۳	-۸۹۱۵۳۵	-۲۳/۶	۱۰۰/۰	۲۴۴۵۲۹	۱۰۰/۰

## ۵. صادرات مجدد<sup>۱</sup> و قواعد مبدأ

قواعد مبدأ مجموعه ضوابط و معیارهایی است که برای تعیین مبدأ ساخت یا تولید کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. قواعد مبدأ برای اجرای تدابیر و اقدامات ویژه کشوری در زمینه تجارت و همچنین جمع‌آوری آمارهای اقتصادی و بازاریابی یک محصول جنبه اساسی دارد. این قواعد در زمره ابزارهای سیاست تجاری هستند که مهمترین وظیفه آن تضمین این امر است که سیاست‌های ترجیحی یا تدابیر و اقدامات محدودکننده تنها به کشورهای هدف اختصاص یابد. به مجرد اینکه مبدأ محصولی مشخص شود، کشور واردکننده می‌تواند ترجیحات یا محدودیت‌های تجاری خاص را اعمال کند، مانند ورود بدون پرداخت حقوق و عوارض کالایی<sup>۲</sup> که مبدأ آن منطقه تجارت آزاد است یا وضع محدودیت‌های مقداری در مورد کالاهایی با مبدأ یک کشور مشمول سهمیه و همین‌طور اعمال عوارض ضد دامپینگ در مورد کالاهای یک شرکت مشخص که مبدأ آن کشور هدف است. به زعم بسیاری از کشورهای در حال توسعه قواعد مبدأ پیچیده و حتی در مواردی طاقت‌فرسا است و تنوع و گوناگونی در قواعد مبدأ می‌تواند به مشکل جدی در زمینه دسترسی به بازار منجر شود.<sup>۳</sup>

تشکیل FTA بین ایران و PGCC نیز مستثنی از اجرای قواعد مبدأ نخواهد بود بخصوص اینکه بخش عمده واردات ایران از شورا (حدود ۹۵ درصد) از کشور امارات متحده عربی بصورت صادرات مجدد است. بر اساس آخرین اطلاعات آماری بانک جهانی، ۵/۱۴ میلیارد دلار (۳/۶ درصد)<sup>۴</sup> از کل صادرات ۱۴۲/۵ میلیارد دلاری این کشور به جهان در سال ۲۰۰۶ به ایران انجام شده است. همچنین نکته بسیار مهم آن است که در همین سال ۱۸/۳ درصد از کل صادرات امارات متحده عربی به جهان معادل ۲۶ میلیارد دلار را صادرات مجدد تشکیل داده است که ۴/۶ میلیارد دلار (۱۷/۷ درصد) آن به ایران صورت

1. Re-Export.  
2. Duty free entry.

۳. طارم‌سری، مسعود و همکاران (۱۳۸۶).

۴. اختلاف واردات گزارش شده ایران و صادرات گزارش شده امارات متحده عربی، بدلیل تفاوت بین قیمت‌های فوب صادراتی و سیف وارداتی است.

پذیرفته است. لذا در سال مذکور سهم بالایی از صادرات امارات متحده عربی به ایران (حدود ۸۹/۵ درصد) را صادرات مجدد تشکیل داده است. بنابراین در صورت رعایت قواعد مبدأ، طیف وسیعی از کالاهای وارداتی مشمول حذف موانع تعرفه‌ای نخواهد شد که در این صورت منافع ناشی از ایجاد FTA با آنچه در شرایط عادی نصیب کشورها خواهد شد بسیار متفاوت خواهد بود. اگرچه رعایت قواعد مبدأ در مورد همه کالاهایی که به صورت صادرات مجدد وارد ایران می‌شوند، لازم‌الاجرا نبوده بلکه بستگی به میزان و درصد مشارکت کشور مبدأ در ساخت آن دارد، اما به منظور آگاهی از تاثیر رعایت قواعد مبدأ در منافع ناشی از ایجاد FTA برای ایران، نظر به خارج شدن کالاهای وارداتی به صورت صادرات مجدد از شمول ترجیحات تجاری در چارچوب موافقت‌نامه و همچنین با توجه به در اختیار داشتن پیش‌بینی حداکثر تغییرات متغیرهای تجارت، صادرات، واردات، تراز تجاری، درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه مصرف‌کنندگان در چارچوب مدل اسمارت، پیش‌بینی لازم در خصوص منافع احتمالی ایران در صورت رعایت قواعد مبدأ در چارچوب موافقت‌نامه به عمل می‌آید. برای این منظور با توجه به سهم ۹۵ درصدی امارات متحده عربی در واردات ایران از شورای همکاری خلیج فارس و همچنین سهم ۸۹/۵ درصدی صادرات مجدد آن کشور از کل صادرات به ایران، تغییرات در واردات، درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه مصرف‌کنندگان در صورت رعایت قواعد مبدأ با استفاده از رابطه زیر تعدیل گردیده و نتایج در جدول (۶) ارائه شده است.

$$\Delta = X \times \%95 \times (100 - 89/5) + X \times \%5$$

در صورت رعایت قواعد مبدأ، تغییری در میزان افزایش در صادرات ایران حاصل نشده اما میزان افزایش در واردات ایران کمتر بوده و حدود ۲۶۹۳۴۶ هزار دلار پیش‌بینی می‌گردد که این رقم حدود ۱۵ درصد افزایش واردات ایران در شرایط عدم رعایت قواعد مبدأ می‌باشد. در این صورت افزایش در کسری تراز تجاری ایران بسیار کمتر و حدود ۲۷۰۴۹ هزار دلار برآورد می‌گردد. با توجه به اینکه میزان انحراف تجارت، بیانگر واردات جدیدی نبوده و تنها تغییر مکان جغرافیای واردات از کشورهای غیرعضو به سوی کشورهای عضو را نشان می‌دهد، چنانچه رقم ایجاد تجارت در ایران بعنوان میزان افزایش

واردات کشور پس از ایجاد FTA، مدنظر قرار گیرد، تغییرات در کل تراز تجاری کشور که در شرایط عدم رعایت قواعد مبدأ بصورت کسری معادل ۲۷۵۱۱۱ هزار دلار بوده است، در شرایط رعایت قواعد مبدأ به صورت افزایش در تراز تجاری معادل ۱۶۴۸۱۵ هزار دلار پیش‌بینی می‌گردد. مطابق جدول (۶)، چنانچه مجموع صادرات و مازاد رفاه مصرف‌کنندگان بعنوان منافع کسب شده ایران و مجموع واردات و کاهش درآمدهای تعرفه‌ای بعنوان منافع از دست رفته ایران مفروض گردد، در این صورت عدم رعایت قواعد مبدأ معادل ۹۲۲۱۱۷ هزار دلار زیان تجاری و رعایت قواعد مبدأ معادل ۶۷۹۲۶ هزار دلار منافع تجاری نصیب ایران خواهد شد.

نتایج فوق در چارچوب مدل مورد استفاده در این مقاله و مفروضات مربوط به آن حاصل شده است که تنها به جنبه تجاری آثار موافقت‌نامه با اتکا به آمار و اطلاعات فعلی تجارت و تعرفه بین ایران و PGCC با فرض ثبات سایر شرایط توجه داشته است. بدیهی است اجرای موافقت‌نامه توأم با آماده‌سازی زمینه‌ها و بسترهای لازم به منظور سرمایه‌گذاری مشترک بین اعضاء، توسعه تجارت و برطرف نمودن انواع موانع غیر تعرفه‌ای خواهد بود که در آن صورت منافع ایستا و بویژه پویای ناشی از یک موافقت‌نامه تجارت آزاد بسیار وسیع‌تر خواهد بود.

هر چند در تحلیل‌های فوق افزایش واردات بدلیل ایجاد هزینه بعنوان زیان تجاری فرض شده است، اما بایستی توجه نمود همانطور که پیشتر اشاره گردیده است، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز صنایع کشور نه تنها به عنوان زیان نخواهد بود بلکه به نوعی به مازاد رفاه تولیدکننده منجر شده و در بلند مدت تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی برجای خواهد گذاشت.<sup>۱</sup>

## جدول ۶- منافع ناشی از ایجاد FTA با pGCC در صورت رعایت قواعد مبدأ

(ارقام هزار دلار)

اجرای قواعد مبدأ	عدم اجرای قواعد مبدأ	متغیر	
۲۴۲۲۹۷	۲۴۲۲۹۷	صادرات ایران به pGCC	(۱)
۲۶۹۳۴۶	۱۷۹۸۶۳۹	واردات ایران از pGCC	(۲)
۷۷۴۸۲	۵۱۷۴۰۸	واردات ایران از جهان (با ایجاد تجارت در ایران)	(۳)
۵۱۱۶۴۳	۲۰۴۰۹۳۶	تجارت ایران با pGCC	(۴) = (۱) + (۲)
۳۱۹۷۷۹	۷۵۹۷۰۵	تجارت ایران با جهان	(۵) = (۱) + (۳)
-۲۷۰۴۹	-۱۵۵۶۳۴۲	تراز تجاری با pGCC	(۶) = (۲) - (۱)
۱۶۴۸۱۵	-۲۷۵۱۱۱	تراز تجاری با جهان	(۷) = (۳) - (۱)
-۱۳۳۵۰۷	-۸۹۱۵۳۵	درآمدهای تعرفه‌ای	(۸)
۳۶۶۱۸	۲۴۴۵۲۹	رفاه مصرف‌کنندگان	(۹)
۲۷۸۹۱۵	۴۸۶۸۲۶	منافع حاصل شده (شامل صادرات و رفاه مصرف‌کننده)	(۱۰) = (۹) + (۱)
-۲۱۰۹۸۹	-۱۴۰۸۹۴۳	منافع از دست رفته (هزینه واردات و کسر درآمدهای تعرفه‌ای)	(۱۱) = (۸) + (۲)
۶۷۹۲۶	-۹۲۲۱۱۷	خالص منافع	(۱۲)

ماخذ: محاسبات تحقیق

## ۶. جمع‌بندی و ملاحظات

برآوردهای تحقیق حاکی است صادرات و واردات ایران پس از تشکیل FTA با شورای همکاری خلیج فارس افزایش خواهد یافت و پیش‌بینی می‌شود حذف موانع تعرفه‌ای در چارچوب FTA مذکور، ۱/۵ درصد رشد کل تجارت ایران را به دنبال خواهد داشت. حجم بالای واردات در مقابل صادرات ایران در تجارت با شورا و همچنین تعرفه‌های بالاتر ایران در مقایسه با تعرفه‌های آن کشورها، باعث تشدید کسری فعلی تجاری ایران با کشورهای مذکور پس از تشکیل FTA خواهد شد. همچنین نتایج دیگر تحقق نشان می‌دهد که اگرچه این موافقت‌نامه باعث کاهش بخشی از درآمدهای تعرفه‌ای کشور می‌شود اما قسمتی از این کاهش منافع از طریق مازاد رفاه مصرف‌کنندگان بدلیل دسترسی به کالاهای وارداتی ارزان‌تر، جبران خواهد شد. در چارچوب مدل مورد استفاده تحقیق، منافع تولیدکنندگان داخلی اندازه‌گیری نشده است اما نتایج نشان داده است که



بخش اعظم واردات ایران از شورا پس از تشکیل FTA مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است که از مواد اولیه صنایع تولیدی کشور محسوب می‌شوند و در واقع با توجه به بسترهای فعلی صنایع کشور، واردات ارزان‌تر اینگونه کالاها پس از ایجاد FTA، منافع تولیدکنندگان و ایجاد انگیزه برای تولید بیشتر و در پی آن ایجاد فرصت‌های شغلی جدید را بدنبال خواهد شد.

بررسی‌ها آماری حاکی است بخش اعظم واردات ایران از شورای همکاری خلیج فارس از کشور امارات متحده عربی تامین شده و عمدتاً به صورت صادرات مجدد است. بر اساس ضوابط موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای مبدأ تولید کالاها، در برخورداری از ترجیحات تجاری عامل مهمی است لذا در این خصوص قواعدی را تحت عنوان قواعد مبدأ در ترتیبات منطقه‌ای تا سطح منطقه تجارت آزاد (از لحاظ عمق همگرایی) در نظر گرفته‌اند تا به بررسی مبدأ تولید کالاها پردازد. مهمترین وظیفه قواعد به‌عنوان ابزارهای سیاست تجاری، تضمین این امر است که سیاست‌های ترجیحی یا تدابیر و اقدامات محدودکننده تنها به کشورهای عضو موافقت‌نامه اختصاص یابد. به مجرد اینکه مبدأ محصولی مشخص شود، کشور واردکننده می‌تواند ترجیحات یا محدودیت‌های تجاری خاص را اعمال نماید. در تحقیق حاضر با توجه به سهم کالاهای صادرات مجددی در کل صادرات شورای همکاری خلیج فارس به ایران و همچنین نتایج مربوط به حداکثر تغییرات واردات پس از ایجاد FTA (در حالت عدم لحاظ کالاهای صادرات مجددی در اعطای ترجیحات)، پیش‌بینی‌هایی از آثار رعایت قواعد مبدأ در قالب موافقت‌نامه و خروج کالاهای صادرات مجددی از شمول ترجیحات ارائه شده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که رعایت قواعد مبدأ نه تنها مانع تشدید کسری تراز تجاری ایران با شورای همکاری خلیج فارس می‌شود بلکه عدم اعطای ترجیحات به طیف وسیعی از کالاهای صادرات مجددی، باعث حفظ تولید و اشتغال صنایع تولید داخلی در مقابل آسیب‌های احتمالی ناشی از واردات کالاهای مشابه خواهد شد.

از اینرو ضمن توصیه حضور ایران در این همگرایی منطقه‌ای (البته با مطالعه ابعاد متعدد و مختلف تشکیل موافقت‌نامه مورد نظر)، یادآور می‌گردد آثار مثبت پویای ایجاد منطقه

تجارت آزاد بسیار بیشتر و گسترده‌تر از آثار ایستای مورد نظر تحقیق حاضر می‌باشد؛ به طوری که تجارب کشورهای موفق دنیا که از این طریق موجبات گسترش تجارت و رشد اقتصادی خود را فراهم آورده‌اند، گویای این امر است.



## منابع

- ارباب، حمیدرضا، (۱۳۸۰). منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با کشورهای اکو، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اشرف زاده، سید حمیدرضا (۱۳۷۵)، اثرات الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپا (EC) بر صادرات پسته ایران به جامعه اروپا (۱۹۹۰-۱۹۹۸)، مجموعه مقالات سمینار شناخت استعداد های بازرگانی-اقتصادی استان کرمان. موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، اداره بازرگانی استان کرمان و دانشگاه شهید باهنر.
- ثاقب، حسن و صادقی یارندی، سیف‌اله (۱۳۸۵)؛ "بررسی آثار موافقتنامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان: با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه شماره ۳۸.
- ثاقب، حسن، (۱۳۸۵)؛ ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC)؛ مطالعه‌ای در قالب سناریوهای مختلف کاهش تعرفه‌ای، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت مطالعات بازار مشترک اسلامی.
- ثاقب، حسن (۱۳۸۵)؛ بررسی آثار ایستای موافقت‌نامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو D8 بر جریانات تجاری، درآمدهای دولت و رفاه در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، معاونت پژوهشی، مدیریت مطالعات بازار مشترک اسلامی.
- ثاقب، حسن (۱۳۸۶)؛ پیامدهای بازرگانی ایجاد منطقه آزاد تجاری بین اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا بر تجارت ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، معاونت پژوهش و آموزش، گروه مطالعات و پژوهش های بازار مشترک اسلامی.
- ثاقب، حسن (۱۳۸۷)؛ اثرات انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس بر استفاده از پتانسیل های تجاری موجود و آثار آن بر درآمدهای تعرفه‌ای و رفاه در ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، معاونت پژوهش و آموزش،

گروه مطالعات و پژوهش‌های بازار مشترک اسلامی، شماره ثبت ۲۳۷۱ مورخ ۸۷/۱۱/۲  
 ثاقب، حسن (۱۳۸۷)؛ اثرات حذف موانع تعرفه‌ای بین کشورهای عضو شورای همکاری  
 خلیج فارس در قالب اتحادیه گمرکی بر جریان‌ات تجاری ایران، موسسه مطالعات و  
 پژوهش‌های بازرگانی، معاونت پژوهش و آموزش، گروه مطالعات و پژوهش‌های بازار  
 مشترک اسلامی.

طارم‌سری، مسعود و همکاران (۱۳۸۶)؛ بررسی لایحه قانون امور گمرکی از دیدگاه مقررات  
 سازمان جهانی تجارت (WTO) (مطالعه تطبیقی)، انجمن علمی بازرگانی ایران، اتاق  
 بازرگانی و صنایع و معادن تهران.

لعلی، محمدرضا (۱۳۷۶)؛ تاثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در رشد اقتصادی  
 ایران (۱۳۴۰-۱۳۷۳) یک تحلیل نظری و تجربی. دانشگاه مازندران، پایان نامه  
 (کارشناسی ارشد).

Bhagwati, J. & Panagariya, A., (1996); "Preferential Trading Areas and  
 Multilateralism: Strangers, Friends or Foes?," Discussion Papers  
 1996\_09, Columbia University, Department of Economics.

Busse.M, Huth.M, Koopmann.M (2000); "Preferential Trade Agreements:  
 The Case of EU-Mexico", HWWA Discussion Paper, Hamburgisches  
 Welt-Wirtschafts-Archiv (HWWA).Hamburg Institute of International  
 Economics.

Chacholiades, Miltiades (1990); International Economic. Mcgraw-Hill  
 International series in business and economics.

Frankel, J., Stein, E., & Wei, S. (1995); "Trading blocs and the Americas:  
 the natural, the unnatural, and the super- natural", *Journal of  
 Development Economics*, Vol. 47(1), 61-95.

<http://www.wits.worldbank.org>

Jachia L. and Teljeur E. (1998); "Free Trade between South Africa and the  
 European Union, Quantitative Analysis", *TIPS working paper*, N11, July.

Personal Computer Trade Analysis System (PC/TAS), 2002-2006 HS data available on CD-ROM.

TRID Team. (2002); Economic and Welfare Impacts of the EU-Africa Economic Partnership Agreements, the Analytical Methodology – the GTAP and SMART Models and Related Databases, Economic Commission for Africa.

Tsikata.Y. M. (1999); Southern Africa: Trade, Liberalization and Impliactions for A Free Trade Area, TIPS 1999 Annual Forum at Glenburn Lodge, Muldersdrift 19-22 September.

Van Seventer.D.E, Thembi.M, (2001); A Free Trade Area Between South Africa and India: Which Commodities Matter? This paper was presented at the TIPS Policy Review Workshop held in August 2001.

